

دهه پنجم انقلاب اسلامی و تصویر آینده جبهه مقاومت

- استادیار علوم سیاسی، گروه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، دانشکده علوم اجتماعی و فرهنگی، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران * سعید محمدی
- استادیار علوم سیاسی، گروه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، دانشکده علوم اجتماعی و فرهنگی، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران مجید نجات پور
- استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران مجتبی نوروزی

چکیده

مقاله حاضر به دنبال این پرسش اساسی است که نسبت «مفهوم مقاومت اسلامی» با توجه به تحولات معاصر منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا، با دهه پنجم انقلاب اسلامی چگونه است؟ به تعبیری آیا تحولات در دو سطح به صورت هم‌افزا و همگرا است و یا اینکه تحولات در قالب دیگری قابل تحلیل و ارزیابی است؟ (مسئله) تحقیق حاضر از نوع مطالعات کیفی و روش پژوهش، روش آینده پژوهی-سناریوپردازی است. گردآوری اطلاعات در این مقاله با بهره‌گیری از منابع اسنادی، کتابخانه‌ای اعم از کتب، مقالات و داده‌های اینترنتی انجام شده است. (روش) با توجه به نتایج به دست آمده از یافته‌های تحقیق می‌توان نسبت ایده مقاومت اسلامی با تحولات دهه پنجم انقلاب اسلامی را بدین گونه صورت‌بندی نمود: نخست، گذار از رویکرد تأثیر خطی انقلاب اسلامی بر ایده مقاومت و نمایان شدن ارتباط متقابل و غیرخطی دو گفتمان بر یکدیگر، دوم، ایجاد پایداری نسبی در روابط به جای فراز و فرودهای ناپایدار پیشین، سوم، گذار از روابط ساده پیشین و ورود به نوعی از پیچیدگی در سطح و عمق ارتباطات دو گفتمان و چهارم، همسو نمودن دیپلماسی رسمی و غیررسمی جهت نیل به اهداف مشخص در هر دو گفتمان. (یافته‌ها)

کلیدواژه‌ها: مقاومت، هسته‌های مقاومت، هویت اسلامی، محور مقاومت، انقلاب اسلامی

دریافت: ۱۴۰۲-۰۳-۱۰

* نویسنده مسئول sa.mohammadi@ut.ac.ir

پذیرش: ۱۴۰۲-۰۶-۲۷

صفحات مقاله: ۲۸-۰۷

بیان مسئله

با نگاهی به قانون اساسی جمهوری اسلامی و اسناد بالا دستی افق توسعه کشور تا سال ۱۴۰۴ ه.ش ایران باید به رتبه اول منطقه در تمامی ابعاد برسد که صدور انقلاب و گسترش حوزه نفوذ، ایدئولوژیک و متحدان راهبردی ج.ا.ایران مؤلفه اساسی و بنیادی این اسناد است، که این همان هژمون منطقه‌ای در نو واقع گرایی است که در قالب محور مقاومت شرق ایران می‌خواهد این هدف را محقق سازد؛ ولی این امر برخلاف وضع موجود و هژمون حاکم است و بدین منظور طیف رقیب در مقابل این هدف به سختی مقاومت می‌کند و رویکرد تروریسم تکفیری در مناطق ح-وزنه نفوذ ایدئولوژیک و سیاسی ایران ابزار کنونی جبهه مقابل برای ایجاد مانع در تحقق هلال شیعی در منطقه و تقویت محور مقاومت و شرق است (جمشیدی، صدیق و بسطامی، ۱۴۰۰: ۹-۸).

سرنوشت اسلام در جهان امروز با انقلاب اسلامی پیوند خورده است و هرگونه سهل انگاری و کوتاهی در حفظ و تداوم انقلاب، می‌تواند موجبات چالشهای تازه در دنیای اسلام باشد. چنان که امام خمینی می‌فرمایند: «امروز سرنوشت اسلام و سرنوشت مسلمین در ایران و سرنوشت کشور ما به دست ملت است و اگر مسامحه کنند در این امر... مسئولیت متوجه خود آنهاست... اگر شما مسامحه کنید، آنهايي که می‌خواهند شما را به بند بکشند، آنهايي که با اسلام مخالفند... آنها پیش خواهند برد و اگر چنانچه خدای نخواستہ آنها پیش ببرند... تمام مسئولیتش به عهده شماست... مراجع مسئولند... علما مسئولند،... همه مسئولند (صحیفه امام، ج ۱۲: ۷-۶). بر این اساس و با بهره گیری از رویکرد مطرح شده، در تقابل راهبردی بین اسلام و غرب، تبیین جایگاه انقلاب اسلامی در بسیج عمومی مستضعفان عالم (به عنوان قربانیان اصلی سیاست‌های استعماری)، در گذشته، عصر حاضر و آینده، بسیار حائز اهمیت خواهد بود. شکل‌گیری جبهه مقاومت فعلی، حاصل چند صد سال مبارزه تئوریک و عملی جهان اسلام با معارضه جویان است. البته اصطلاح جبهه مقاومت به وسیله روزنامه "الزحف الاخضر" لیبی در پاسخ به ادعای رئیس جمهور آمریکا مبنی بر قرار دادن چندین کشور در محور شرارت استفاده شد. در مقاله‌ای با عنوان "محور شرارت یا محور مقاومت"، تنها مخرج مشترک کشورهای به اصطلاح محور شرارت، مقاومت آنها در برابر هژمونی آمریکا بیان شده است. نویسندگان این نوشتار تفسیرهای مختلف در مورد نسبت انقلاب اسلامی با جبهه مقاومت اسلامی را در سه دسته گوناگون تقسیم‌بندی می‌کنند:

اول، انقلاب اسلامی در شکل‌گیری و گسترش جبهه مقاومت اسلامی تأثیر مستقیمی داشته و جنبشهای مختلفی متأثر از گفتمان انقلاب اسلامی شکل گرفته است. دوم، جبهه مقاومت اسلامی بالاخص رویکردهای کلاسیک در نضج و ایجاد گفتمان اسلام سیاسی و به تبع آن انقلاب اسلامی تأثیر گذاشته است. سوم، ایده اصلی در این رابطه این است که انقلاب اسلامی و جبهه مقاومت به صورت متقابل بر یکدیگر تأثیر گذاشته‌اند و هر کدام به یک نسبت از دیگری متأثر گشته است (دسته‌بندی سه‌گانه بر اساس تحلیل نویسندگان است).^۱ بر این اساس، نسبت گفتمان انقلاب اسلامی و جبهه مقاومت در دوره‌های مختلف به صورتهای گوناگون بوده است. لذا با بهره‌گیری از روش سناریونویسی در پی پاسخ به این سؤال اصلی هستیم که آیا آینده جبهه مقاومت در گروه تحولات مربوط به دهه پنجم انقلاب اسلامی است و یا اینکه مسیر دیگری را طی خواهد نمود؟

۲. پیشینه و ادبیات پژوهش

غالب پژوهشهای انجام گرفته در این حوزه، به مقطع زمانی گذشته می‌پردازد و رویکرد آینده‌پژوهی در این تحقیقات کم‌رنگ است. با غور در مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای، تحقیقات ذیل از جمله مهم‌ترین پژوهشهای انجام شده در رابطه با موضوع مقاله است که در این قسمت به آنها اشاره می‌شود.

محمدصادق کوشکی و سیدمهدی نبوی در مقاله آینده جبهه مقاومت در برابر رژیم صیہونیستی،^۲ نشان می‌دهند که برآیند تحول در محور مقاومت پس از سال ۲۰۱۲ میلادی به دلیل پیوستگی سوریه به محور مقاومت، تحول حزب الله لبنان از یک نیروی چریکی محدود به ارتش قدرتمند، اضافه شدن روسیه به عنوان همکار به محور مقاومت، تحول رویکرد ایران از حمایت نیروهای نیابتی به رویارویی مستقیم با اسرائیل، ارتقاء صورتبندی جدید محور مقاومت با حضور انصارالله یمن، مقاومت اسلامی عراق و هسته‌های مقاومت در افغانستان و پاکستان، روند افزایشی داشته است.

۱. دسته‌بندی سه‌گانه بر اساس تحلیل نویسندگان است.

۲. محمدصادق کوشکی و سیدمهدی نبوی، آینده جبهه مقاومت در برابر رژیم صیہونیستی، اندیشه

تقریب تابستان ۱۳۹۹، شماره ۳۹ (۲۴ صفحه - از ۱۲۳ تا ۱۴۶)

اصغر صالح اصفهانی در الگوی جبهه مقاومت از دیدگاه امام خامنه‌ای^۱ اشاره دارد که منظومه فکری مقام معظم رهبری، جبهه مقاومت در (ابعاد و مؤلفه‌ها، ارکان رهبران، دولت‌ها، ملت‌ها، وحدت و...)، مبانی و جهت سازها (آرمان، اندیشه، مکتب، اصول و...)، عوامل پیش برنده (توان و آمادگی دفاعی، استحکام ساخت درونی و...) موانع و چالشها (نفوذ، نفاق، نابسامانی داخلی، استبداد، استکبار و...)، اهداف مقاومت (دولت‌سازی، رهبرسازی و...) دستیابی به استقلال و عزت دولتها و ملت‌های جبهه مقاومت، اعتمادسازی، بازدارندگی و کاهش حضور نظامی استکبار در کشورها محور مقاومت و سرانجام پیروزی مقاومت را تسهیل می‌نماید.

سیدمحمد و سیدعلی سادانی نژاد در مقاله بازتاب حضور جبهه مقاومت در منطقه غرب آسیا^۲، به بررسی این مؤلفه می‌پردازند که حرکت در جهت شکل‌گیری نظم نوین منطقه‌ای با محوریت جبهه مقاومت، برجسته شدن آمریکاستیزی و خدشه وارد شدن به اعتبار و قدرت آمریکا در منطقه، زنده نگهداشتن آرمان آزادسازی فلسطین و تقویت صهیونیسم ستیزی، شکست افراطی‌گری و تکفیریسیم در عراق و سوریه و تقویت جایگاه این کشورها در جبهه مقاومت، شکل‌گیری گروه‌های جدید مقاومت شامل گروه‌های زینیون، فاطمیون، حشد الشعبی و دفاع الوطنی و شکل‌گیری و تقویت جبهه مقاومت در یمن از مهمترین بازتاب‌های حضور جبهه مقاومت در منطقه غرب آسیا است.

۳. تعریف مفاهیم

مهم‌ترین مفاهیم مورد بحث در مقاله پیش‌رو به قرار ذیل است:

۳.۱. مقاومت اسلامی

مقاومت، به معنای ایستادگی، تسلیم خواسته طرف مقابل نشدن و تلاش در جهت تحقق‌بخشی به اراده خویشتن، مفهوم وسیعی است که در همیشه تاریخ بشر و در همه عرصه‌ها و حتی در دو جبهه حق و باطل وجود داشته و دارد. مقاومت حق در برابر باطل و یا باطل در مقابل حق. آنجا که این مقاومت، بر اساس آموزه‌های اسلام شکل می‌گیرد، مقاومت اسلامی نام خواهد داشت. مقاومت اسلامی نیز در اصطلاح، دو مفهوم عام و خاص را در بر دارد: در مفهوم عام، شامل

۱. اصغر صالح اصفهانی، قدیر نظامی‌پور، حسن کاظمی قمی، ایرج فرجی، الگوی جبهه مقاومت از

دیدگاه امام خامنه‌ای، دوره ۱۸، شماره ۸۲- شماره پیاپی، ۱۳۹۹، صفحه ۸۱-۹۸

۲. سیدمحمد و سیدعلی سادانی نژاد، بازتاب حضور جبهه مقاومت در منطقه غرب آسیا، فصلنامه

علمی تخصصی دانش نامه علوم سیاسی، سال دوم؛ شماره دوم، بهار ۱۴۰۰

هر نوع مقاومتی که بر اساس آموزه‌ها و احکام دین توسط یک مسلمان و یا گروهی از مسلمانان در مقابله با تهاجم دشمنان اسلام و مسلمانان در هر مکان و هر زمان شکل می‌گیرد. اما در مفهوم خاص که شامل عبارت «محور مقاومت اسلامی» می‌باشد، عبارتست از مقاومت کشورها، سازمان‌ها، گروه‌ها و افراد، بر اساس اسلام در برابر تهاجم نظام سلطه و متحدان آن که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و همسو با این انقلاب، در سطح منطقه و با محوریت مسئله فلسطین و مقاومت در برابر تجاوزات اسرائیل تبلور یافت. در سالهای بعد نیز مقاومت در برابر تجاوزات آمریکا و متحدان آن نیز بر آن افزوده شد. در اینجا منظور ما از محور مقاومت، همان «محور مقاومت اسلامی» در اصطلاح خاص می‌باشد^۱ (قراسوی، ۱۳۹۶: ۲). محور مقاومت به عنوان یک مقوله رهایی‌بخش در قالب پارادایم برخورد با نظام سلطه و مبتنی بر قدرت روایت انقلاب اسلامی از اسلام ناب محمدی و نظام بین الملل است (نصراصفهانی و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۳۲). محور مقاومت اسلامی را می‌توان به عنوان یکی از حوزه‌های اثرپذیر گفتمان انقلاب اسلامی دانست که توانسته در معادلات و مناسبات منطقه جنوب غرب آسیا نقش آفرینی کند.

۳.۲. استعمار

استعمار از لحاظ لغوی به معنای مهاجرت گروهی از افراد کشورهای متمدن به سرزمین‌های خالی از سکنه یا کم‌رشد به منظور عمران یا متمدن کردن آن سرزمین است. لکن واقعیت پدیده^۲ استعمار با معنای لغوی آن متفاوت است و در عمل به معنای تسلط جوامع و کشورهای قدرتمند بر جوامع و سرزمین‌های دیگر به منظور استثمار و بهره‌کشی از آن‌ها درآمد (رهنما، ۱۳۵۰: ۱۵) بنابراین

۱. باید توجه داشت که القاعده، تکفیری‌ها و داعش را نمی‌توان جزو محور مقاومت اسلامی قرار داد زیرا: اولاً این دو اگرچه با بسترهای اندیشه‌ای و اعتقادی (انحرافی) دین شکل گرفته‌اند اما نقش سرویسه‌های اطلاعاتی و امنیتی غرب و صهیونیسم در شکل‌گیری و تقویت آنها و نیز نفوذ در این دو جریان، کاملاً آشکار است. ثانیاً تلاش و مبارزه آنها را نمی‌توان دفاعی و از نوع مقاومت دانست؛ بلکه آنها برای نیل به اهداف خود در جهان اسلام، به شکل تهاجمی عمل می‌کنند. ثالثاً این تهاجم در درجه اول و اساساً در داخل جهان اسلام و علیه مسلمانان می‌باشد و نه علیه نظام سلطه، آمریکا و اسرائیل. القاعده در جنگ علیه شوروی سابق در افغانستان کاملاً مورد حمایت نظام سلطه و غرب بود. داعش توسط غربیها بنیاد نهاده شد، حمایت گردید و می‌گردد. اسرائیل آشکارا از تروریست‌های تکفیری حمایت می‌کند، مجروحین آنها را درمان می‌نماید و حتی این مسئله را پنهان نمی‌کند. رابعاً مسئله فلسطین برای آنها عملاً یا مطرح نیست و یا در اولویت نمی‌باشد؛ بلکه آن را یکی از مسائل بیشمار اسلامی می‌دانند که بعد از تشکیل حکومت باید به آن نیز توجه داشت. محور مقاومت اسلامی، طرف اصلی و خصم نظام سلطه و اسرائیل می‌باشد؛ در حالی که القاعده و داعش و دیگر گروه‌های همانند آنها، ابزار نظام سلطه و در خدمت آن هستند (قراسوی، ۱۳۹۶: ۲).

استعمار از لحاظ سیاسی به معنای حاکمیت گروهی از قدرت‌های خارجی بر مردم یا بر سرزمین دیگر است. مارکسیست‌ها به جای کلمهٔ استعمار از کلمهٔ مشابهی تحت عنوان «امپریالیسم» استفاده می‌کنند. امپریالیسم در حقیقت به حکومتی اطلاق می‌شود که در آن یک حاکم نیرومند بر بسیاری از سرزمین‌های دور و نزدیک حکومت داشت، (همانند امپراطوری‌ها) ولی بعدها به هرگونه حاکمیت مستقیم و غیرمستقیم کشورهای قدرتمند و کشورهای دیگر عنوان امپریالیسم داده شد (ولفگانگ، ۱۳۷۶: ۱۲-۷).

۳.۳. نفوذ

نفوذ که لغتی عربی و اسم مصدر از واژه "نفذ" است، در لغت نامهٔ دهخدا در معانی جاری شدن فرمان و نامه، اثر کردن، فرورفتگی و درگذشتگی و دخول کردن در چیزی و وارد شدن آمده است. نفوذ کردن در این لغت‌نامه، به معنای توانایی قبولاندن کاری را به کسی داشتن یا وارد شدن در جمعی یا گروهی برای آگاهی از مقاصد آنان یا تحمیل نظر خود به آنان ذکر شده است (دهخدا، ۱۳۸۵ ج: ۲، ۳۰۲۰). معنای این واژه در فرهنگ سیاسی، از حیث ماهوی، شکلی از قدرت است، اما متمایز از اجبار، کنترل، مداخله و زور است. در واقع، نفوذ رابطهٔ بازیگرانی است که در آن یک بازیگر، دیگر بازیگران را به اموری و می‌دارد که خواستهٔ خود آنان نیست. پول، غذا، اطلاعات، مقام، دوستی و تهدید و ... از عواملی است که فرد به کمک آنها در رفتار دیگران نفوذ می‌کند (آقابخشی، ۱۳۷۹: ۲۷۳) و از نظر عملیاتی، نفوذ به معنای فرستادن گروه‌های کوچک یا افراد از طریق شکافها و رخنه‌های خطوط و مواضع، به اردوی دشمن؛ یا رخنه یک نیروی سیاسی در حوزهٔ اقتدار دشمن یا رقیب است (همان: ۲۷۲). مفهوم نفوذ در تعبیر رهبر معظم انقلاب، بیشتر مترادف "اثرگذاری" است؛ اثرگذاری به این معنا که در نهایت کشور هدف، مطابق میل نفوذکننده و در راستای سیاستهای خصمانه و دشمنانش حرکت کند. ایشان با تفسیر آیهٔ «... اشداء علی الکفار رحماء بینهم» (فتح: ۲۹)، «اشداء را تمثیل نفوذناپذیری و سختی مقابل دشمن و نفوذپذیری را درمقابل آن به مثابه خاکریز نرم توصیف می‌کنند (حسینی‌خامنه‌ای، سخنرانی: ۱۹ دی ۱۳۹۳).

۴. چارچوب نظری و روش تحقیق

در مقاله پیش‌رو درصدد هستیم تا با استفاده از روش آینده‌پژوهی، وضعیت پیش‌روی جبهه مقاومت و نسبت آن با دهه پنجم انقلاب اسلامی را تبیین نماییم. آینده‌پژوهی اساساً شامل مجموعه تلاشهایی است که با جستجوی منابع، الگوها و عوامل تغییر و ثبات، به تجسم آینده‌های بالقوه و

برنامه‌ریزی برای آنها می‌پردازد. آینده‌پژوهی بازتاب چگونگی زایش واقعیت فردا از دل تغییر یا ثبات امروز است. موضوعات آینده‌پژوهی دربرگیرنده گونه‌های ممکن، محتمل، و دلخواه برای دگرگونی از حال به آینده هستند. آینده اساساً دارای عدم قطعیت است. با این همه آثار و رگه‌هایی از اطلاعات و واقعیت‌ها که ریشه در گذشته و اکنون دارند، می‌توانند رهنمون ما به آینده باشند (ناصرآبادی، ۱۳۷۹: ۱۷). آینده‌پژوهی، مطالعاتی فرارشته‌ای است که می‌تواند تمام علوم را تحت تأثیر قرار دهد. از نظر آینده‌پژوهان، گرچه آینده قابل پیش‌بینی قطعی نیست، ولی غیرقابل پیش‌بینی هم نمی‌باشد (غفرانی، ۱۳۷۹: ۲۵۰). اندیشیدن در رابطه با آینده، غالباً پیرامون این موضوع هست که وظیفه خود را در حال حاضر بدانیم. تفکر راجع به آینده، نقش شناخت موقعیت را ایفا می‌کند، یعنی به ما یاری می‌دهد تا موقعیت خود را در زمان حال تشخیص داده و بدانیم الان در کجا قرار داریم (مارین، ۱۹۹۷: ۳۷). آینده‌سازی را باید با توجه به موقعیت و زمان حال آغاز نمود، همچنین آینده‌پژوهان برای انجام وظایف خود، درصدد شناخت عوامل تغییر و دگرگونی هستند. آینده‌پژوهی تفکرات فلسفی و روشهای علمی و مدل‌های مختلف بررسی و مطالعه آینده را مطرح و با استفاده از آنها، آینده‌های بدیل و احتمالی را ترسیم می‌نماید. لذا آینده‌پژوهی، ابزاری برای مهندسی هوشمندانه آینده است. آینده‌پژوهی یک حوزه تحقیقاتی چندرشته‌ای است که به توصیف و توضیح و ارائهٔ دید وسیع به پدیده‌های اجتماعی و فرایندهای تغییر و توسعه حوزه‌های مختلف بشر می‌پردازد.

جیمز دی‌تور می‌گوید که اگر پیش‌بینی را فقط مقوله‌ای فنی، علمی یا تخصصی قلمداد کنیم، تلقی کاملی نخواهد بود، پیش‌بینی باید به یک طرحی سیاسی، اخلاقی و هنری و مبتنی بر مشارکت گسترده جمع تبدیل شود و تمامی راههایی که سهمی در آینده دارند در تعیین و تشخیص آن مشارکت داشته باشند (دی‌تور، ۱۳۷۸: ۱۰۲). به اعتقاد برخی محققان، مهم‌ترین هدف از آینده‌شناسی را می‌توان به این صورت خلاصه کرد: درک کنیم که با تدوam روندهای امروز، در آینده چه روی خواهد داد و تصمیم بگیریم که آیا چنین آینده‌ای برای ما مطلوب است یا نه؟ اگر نیست، بکوشیم آن را تغییر دهیم. به عبارت دیگر آینده‌شناسی در پی متحمل ساختن آینده‌های مرجح یا مطلوب و توجه به آینده‌های ممکن است که علی‌رغم تردید در وقوعشان، تحقق برخی از آنها اثر بزرگی بر زندگی مردم می‌گذارد (سیف‌زاده، ۱۳۸۲: ۱۹۲). از مهم‌ترین هدفهایی که مطالعات آینده‌پژوهی بر آن استوار است عبارت‌اند از: مطالعه آینده‌های ممکن، آینده‌های محتمل، تصورات گذشته از آینده، دلایل و پیامدهایشان. بنیادهای دانش به بررسی اینکه بر چه اساسی

می‌توان درباره آینده اطلاعات و دانش کسب کرد، بنیادهای اخلاقی تفکر آینده‌نگرانه، بررسی نقش و اهمیت ارزشها در تفکر آینده‌شناسانه، ارائه مبنایی برای تفسیر گذشته و حال یا جهت دادن به حال، ادغام دانش و ارزش برای طراحی کنش اجتماعی، افزایش مشارکت دموکراتیک در تصور و طراحی آینده. در واقع آینده‌پژوهان می‌کوشند تا با تصور و ترسیم آینده‌های ممکن، محتمل و مطلوب و ارائهٔ اطلاعات و آگاهی‌های نسبتاً دقیق بستری را فراروی سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان، و مدیران جامعه فراهم نمایند تا آنها بتوانند در تصمیم‌گیریها و برنامه‌ریزی‌شان با نگاه به آینده و پیش‌بینی روندهای آتی عمل نموده و از فرصتها، امکانات و منابع موجود تا حد امکان استفاده کرده و با اطمینان بیشتری گام بردارند (بانک و مولرت، ۱۹۸۷). آینده‌پژوهی ادراک و غلبه بر نیروهای دراز مدت تغییر را هدف قرار می‌دهد، زیرا که این نیروها بر اشخاص و بشریت تأثیر می‌گذارند (ناصرآبادی، ۱۳۷۹: ۴۲). به صورت خلاصه می‌توان روش تحقیق، روش گردآوری اطلاعات و روش تجزیه و تحلیل در پژوهش مذکور را براساس قالب ذیل بیان نمود: روش تحقیق مقاله بر اساس آینده‌پژوهی و رویکرد سناریوپردازی است. روش گردآوری اطلاعات، براساس رویکرد اسنادی و کتابخانه‌ای است و روش تجزیه و تحلیل اطلاعات، توصیفی-تحلیلی است.

۴.۱. سناریوپردازی

یکی از رویکردهای مهم و پرکاربرد در آینده‌پژوهی روش سناریوپردازی است. سناریوها تصاویری از آینده‌های محتمل هستند. این تصاویر درونا به هم وابسته هستند. سناریوها، از اطلاعات مربوط به احتمالات و روندهای متنوع، تصاویری باورپذیر و سازگار از آینده ایجاد می‌کند. هدف از بکارگیری سناریوها، ایجاد فضایی از ممکنات است که در آن کارایی سیاستهای اتخاذ شده در برابر چالش‌های آینده در بوته آزمایش قرار می‌گیرند. سناریوها همچنین کمک می‌کنند که هم چالش‌ها و هم فرصتهای بالقوه ولی غیرمنتظره شناسایی شوند. سناریوها با کشف سیستماتیک چالش‌ها و فرصتهای پیش‌رو، در خدمت تدوین استراتژیها قرار می‌گیرند. سناریوها تنها حدسیات در مورد آینده نیستند. سناریوپردازی کمک می‌کند که بیندیشیم که چگونه در شرایط محیطی متفاوت آینده، پیروزمندانه به هدایت امور پردازیم (محمودی، ۱۳۸۶). تدوین مجموعه‌ای از چندین سناریوی متمایز و مقیدکردن عدم قطعیت لاینهایی به یک حدودمرز، برنامه‌ریزی سیستماتیک برای انجام اقدامات لازم در یک مجموعه را فراهم می‌آورد (پولاک، ۱۳۷۹: ۴۵). سناریو، توصیفی از رویدادهای ممکن و چندگانه است که امکان وقوع آنها در آینده وجود دارد

و با استفاده از آنها می‌توان درباره آینده و آنچه باید انجام دهد به طور جدی اندیشید (عباسی، محمودی، ۱۳۸۶).

۴،۱،۲. مراحل تدوین و طراحی سناریوها

هم‌اکنون، استفاده از روش سناریونویسی در برنامه‌ریزی کشورهای نظیر ایالات متحده، انگلستان، فرانسه، آلمان، هلند و کشورهای اسکاندیناوی، کاملاً مرسوم است. استفاده از این روش در سطوح بالای تصمیم‌گیری در کشورهای در حال توسعه نیز کاملاً مشهود است و فقط در کشورهایی که نگرش سنتی دارند و ضرورت آینده‌نگری هنوز در آنها تبیین نشده، از بهره‌گیری از این روش پرهیز می‌شود. این وضعیت در برخی کشورهای پیشرفته نیز به چشم می‌خورد. برای مثال، در ایتالیا که به صورت سنتی میل به برنامه‌ریزی برای بلندمدت ضعیف است و فضای فرهنگی آن با آینده‌نگری میانه خوبی ندارد این روش چندان به کار گرفته نمی‌شود. پایه‌های نگارش یک سناریو، معمولاً بر آمارهای حاصل از علم احتمالات، ماتریس‌های حرکت بازیگران عقلایی در تئوری بازیها و فرمول‌های شبیه‌سازی شده برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، بنا می‌شود. برای مثال، هنگامی که استراتژیست‌ها تلاش می‌کنند تا بنیانهای نیروی مسلح یک کشور از وضعیت سنتی و ناکارآمد، به سوی ایجاد یک ارتش حرفه‌ای و مدرن حرکت کنند، در ابتدا به مطالعه مقایسه‌ای وضعیت ارتشهای ملی در دول متخاصم، کشورهای همجوار و کشورهایی که از نظر توسعه‌یافتگی اقتصادی و موقعیت ژئوپلیتیکی در وضعیتی مشابه کشور مورد نظر قرار دارند، نیازمند هستند. آنان بر این اساس در مرحله اول الگوی بازیگر خردمند در تئوری بازیها به بررسی سیاست‌های نظامی کشورهای مذکور می‌پردازند. در مرحله دوم، اطلاعات مربوط به وضعیت توان انسانی و تسلیحاتی کشور مورد نظر، به وسیله گردآوری آمار و ارقام مربوطه و تشکیل جداول مختلف، فراهم می‌گردد. سپس در مرحله بعد، اطلاعات جمع‌آوری شده در مراحل اول و دوم، از طریق ترسیم نمودارهای مربوطه، به نمایش درمی‌آیند و با بهره‌گیری از فرمول‌های مختلف ریاضی، امکان تجزیه و تحلیل داده‌ها میسر می‌شود. بالاخره، در مرحله آخر، بر اساس بنیانهای فکری ایجاد شده در مراحل قبلی، سناریوهای مرتبط در زمینه تداوم وضعیت کنونی، تغییر وضعیت حاضر، شیوه‌های مختلف تغییر وضعیت حاضر و دستاوردها و پیامدهای احتمالی هر یک از آنها تدوین می‌گردند. پس از تعیین محتمل‌ترین و قابل‌اجراترین گزینه‌ها، در مرحله بعدی می‌باید به بررسی بازخورد اتخاذ هر یک

از تصمیمات مذکور با توجه به عوامل داخلی و شرایط خارجی پرداخت و گزاره‌های مختلف را بر اساس مدل‌های توصیفی ارائه کرد (Godet, Michel, :1987)

۴،۱،۳. اصول سناریوپردازی

الف) به هنگام سناریوسازی، باید دقت کرد که تصورات جای متدولوژی را نگیرند و تعصبات به برنامه‌ریزی‌ها وارد نشوند. ب) باید توجه داشت که آینده، امری در مقابل ما نیست که حیات مستقل خود را داشته باشد و ما بتوانیم نظرات و تئوری‌های خود را از طریق واریسی آن ارائه دهیم؛ بلکه آینده، متغیر وابسته به حال و گذشته است که در امتداد حیات ما قرار دارد و از آن مستقل نیست. ج) همچنین، به آینده نباید به عنوان یک پایان ساده بر یک خط زمانی تاریخی نگریست، آینده، تنها بخشی از مجموعه خطوط لایتناهی است. د) بر اساس این که برای کوتاه‌مدت، میان‌مدت یا بلندمدت برنامه‌ریزی می‌کنیم، نوع سناریو تفاوت خواهد داشت. ه) برای آن که امکان استفاده از سناریوها وجود داشته باشد، باید منظور سازندگان آن، مستقیم و به وضوح بیان گردد. خ) سناریوها باید در دوره‌های زمانی مشخص روزآمد شوند. یک سناریوی خوب باید بر پایه تجزیه و تحلیل دقیق بنا گردیده و بین عوامل تشکیل دهنده داخلی آن هماهنگی وجود داشته باشد. ن) باید تلاش کرد که پیوندی نامرئی در میان سناریوهای مختلف مربوط به یک موضوع وجود داشته باشد و از کنارهم قرار دادن آنها، دایره‌ای کامل که نشان‌دهنده اوضاع آتی است، پدید آید (زالی، ۱۳۹۰: ۱۷).

۴،۱،۴. الگوهای سناریوسازی

تاکنون تقسیم‌بندی‌های مختلفی از سناریوها ارائه شده است. اما از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به دو الگوی زیر که بر عنصر زمان تأکید دارند، اشاره کرد: الف) سناریوهایی که قبل از وقوع یک وضعیت ساخته می‌شوند. ب) سناریوهایی که بعد از وقوع یک وضعیت و بر پایه رخداد‌های جدید ساخته می‌شوند.

متناسب با توضیحات مذکور الگوی سناریوپردازی در این پژوهش بر اساس رویکرد نخست (قبل از وقوع یک وضعیت) است که در قسمت‌های بعد به اضلاع مختلف آن اشاره خواهد شد (علیزاده، ۱۳۹۱: ۱۴). برای تبیین آینده جبهه مقاومت و چشم‌انداز دهه پنجم انقلاب اسلامی، سناریوهای مختلفی به صورت بالقوه قابل طرح است که در ادامه به آنها اشاره خواهیم کرد. قبل از ورود به مبحث اصلی، گریزی تاریخی به برخی از کشورهای مهم دنیای اسلام خواهیم داشت. از جمله دلایل تمرکز و توجه بر روی کشورهای مصر، عراق و ایران از آن روست که تحولات

سیاسی-اجتماعی این کشورها سرمشتاً بسیاری از وقایعی است که در گذشته، حال و آیندهٔ جبهه مقاومت نقشی اساسی دارند. جنبش‌های مقاومت در آنها به لحاظ فکری-سیاسی گسترش داشته و شاهد سیر تحول و تطور این جنبشها در مقاطع مختلف تاریخی بوده‌ایم.

۱. مصر

مصر از اواسط سده نوزدهم میلادی تحت نفوذ انگلستان و فرانسه قرار گرفت و طی سال‌های آغازین قرن بیستم، حضور انگلستان در مصر بسیار پررنگ‌تر از فرانسه بود. مصر تا سال ۱۹۱۴ م که جنگ جهانی اول آغاز شد. رسماً جزو قلمرو امپراتوری عثمانی به شمار می‌رفت ولی عملاً تحت نفوذ انگلستان بود. در جریان جنگ جهانی اول، دولت عثمانی با دولت‌های مخالف انگلستان یعنی آلمان و اتریش متحد شد. انگلیس نیز به منظور مقابله با این عمل، مصر را که تا آن زمان متعلق به دولت عثمانی بود، تصرف کرد و در هجدهم دسامبر ۱۹۱۴ م آن را به طور رسمی تحت استعمار خود درآورد. در عرصه مبارزه و جنبش مبارزه و ستیزجویی با استعمار انگلیس و فرانسه در کشورهای عربی، حسن البناء (۱۹۴۹ - ۱۹۰۶) متأثر از اندیشمندانی همچون رشیدرضا و سیدجمال الدین اسدآبادی اولین هسته‌های مقاومت علیه استعمار را راه‌اندازی کرد. وی در بسیج و سازماندهی مردم مسلمان مصر علیه استعمار انگلیس و فرانسه نقش جدی ایفا نمود، که در نهایت با وجود تلاش‌های فراوان به واسطه خیانت افراد نفوذی و وابستگی حاکمان بومی، نتوانست به نتیجه دلخواه دست یابد (سیاوشی و بیاتلو، ۱۳۹۷: ۱۱۲-۷۶).

۲. عراق

انگلستان با آغاز جنگ جهانی اول از خلیج فارس به عراق که جزو امپراتوری عثمانی بود، حمله کرد. مردم و قبائل مختلف عراقی با وجود نارضایتی از حکومت عثمانی برای دفع تجاوز انگلیسی‌ها به نیروهای ترک پیوستند. سید محسن حکیم که بعدها مرجع بزرگ شیعه شد، علیه انگلیسی‌ها به جنگ رفت (ویلی، ۱۳۷۳: ۳۱). برخی علمای شیعه از جمله آیت‌الله میرزا محمدتقی شیرازی در سامرا به وجوب جنگ با انگلیسی‌ها فتوا دادند (دادفر و نعمتی، ۱۳۹۲: ۸۲). محققان، نقش علماء و روحانیان را در انقلاب ۱۹۲۰ عراق بسیار مهم و حیاتی ارزیابی کرده‌اند (صادقی‌تهرانی، ۱۳۹۰: ۳۸). روحانیانی همچون سیدابوالقاسم کاشانی، شیخ محمود جواد الجزایری و سید محمدعلی هبه‌الدین شهرستانی نقش پررنگی در این انقلاب داشتند. رهبران و روسای عشایر نیز تأثیر عمده‌ای در قیام داشتند (نفیسی، ۱۳۶۴: ۱۳۶). با وجود مقاومت قابل تمجید نیروهای مقاومت، انگلیسی‌ها به لحاظ سلاح بسیار پیشرفته‌تر از عراقی‌ها بودند و حجم سلاح‌های سنگین

آن‌ها بسیار بیشتر بود. انگلستان از نیروی هوایی خود نیز در این جنگ بسیار استفاده کرد که بسیار تأثیرگذار بود (ویلی، ۱۳۷۳: ۳۵). همچنین نیروهای کمکی انگلستان از ایران و هند به عراق اعزام شدند و مجموع این‌ها موجب برتری نظامی و شکست طرف عراقی شد.

۳- ایران

روند تحولات تاریخی در دوران معاصر ایران به ویژه در سدهٔ اخیر، آکنده از نقاط عطفی است که فرهنگ مقاومت را در درون خود پرورانده است. هرچند این سنت تاریخی همواره خود را به عنوان سدی محکم در مقابل تهاجم دشمنان خارجی در فرهنگ مردمان این سرزمین نهادینه کرده است. فهم تحولات مستتر در وقایع تاریخی همچون جنگ‌های ایران و روس، نهضت تنباکو، نهضت مشروطه و انقلاب اسلامی ما را به درک بهتر هویت مقاومت در لایه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی رهنمون خواهد کرد. با توجه به صبغه هویت مقاومت در تاریخ ایران، تلاش شده است تا برشهایی از تاریخ ایران معاصر که از جهات محتوایی با مفهوم مقاومت همخوانی بیشتری دارد انتخاب گردد که در این قسمت به صورت خلاصه به آنها اشاره خواهد شد.

۳.۱. جنگ‌های ایران و روس

دولت استعماری روسیه اواخر حکومت صفوی در فکر الحاق منطقه قفقاز به قلمرو سرزمینی خود بود و بر اساس معاهده گلستان، به بخشی از خواسته خود رسید. تلاش این دولت برای رساندن مرزهای خود به رود ارس و کوشش جناحی از دربار ایران - که حول عباس میرزا جمع شده بودند - برای بازپس گیری مناطق ازدست رفته و به ثمر نرسیدن مذاکرات، زمینه ساز آغاز دوره دوم جنگ‌های ایران و روسیه شد. جناح عباس میرزا برای منفعل کردن گروه مخالف نبرد، درصدد برآمد از طریق روحانیان به اقدامات خود صبغه دینی ببخشد. روحانیان نیز که دفاع از کیان اسلام و سلطان شیعه در برابر «کفار» را وظیفه دینی خود می‌دانستند، پای در میدان نهادند که حاصل آن، اعلام جهاد در قالب اندیشه مقاومت علیه استعمار و شرکت فعال در جبهه‌های نبرد بود (آقازاده، ۱۳۹۳: ۱۵۲). روحانیان و علمای طراز اول این دوره، اگرچه حکومت قاجار را مشروع نمی‌دانستند، ولی چون شاهد از دست رفتن سرزمین‌های اسلامی بودند، و از سویی در خود نیز شرایط لازم برای تشکیل حکومت و لشکرکشی در برابر روس‌ها را نمی‌دیدند، به درخواست فتحعلی شاه و عباس میرزا پاسخ مثبت دادند و رسایل و فتاوایی برای مقابله با روس‌ها نوشتند و به دست قاجارها دادند (زرگری نژاد، ۱۳۷۹: ۳۷۸-۳۸۰). روحانیان در این رسایل، فتحعلی شاه را از جانب خود به عنوان فرمانده سپاه اسلام برای مقابله با روس‌ها معرفی کردند و به وی برای اخذ مال از مردم به منظور

مقابله با روس‌ها اختیار دادند.^۱ در این میان میرزا ابراهیم خان کلاتر، صدراعظم فتحعلی‌شاه می‌شود. این صدراعظم در حوزه سیاست خارجی تصمیم‌گیرنده اصلی است و در مواقع حساس همچون مقاومت شیعیان میسور در هند در برابر استعمار انگلستان، اجازه حمایت جامعه و حاکمیت ایران از این جریان را نمی‌دهد. در جریان جنگ‌های ایران و روس نیز انگلستان بواسطه نیاز به روسیه برای مقابله با ناپلئون، تلاش کرد بین ایران و روسیه آتش‌بس اعلام شود. این امر بواسطه آنکه بخشی از سرزمین ایران در اشغال قوای روس قرار داشت به ضرر ایران تمام می‌شد. علما، گروه‌ها و افرادی نظیر عباس میرزا با اعتقاد به این اصل که کشوری که اشغال شده، صلح را نمی‌پذیرد، در برابر توطئه انگلستان مقاومت کردند، با این وجود، همین جریان نفوذی در دربار قاجار بساط را به گونه‌ای فراهم کرد که دیگر فتحعلی‌شاه از جبهه، پشتیبانی نمی‌کرد. فشارهای مرحله به مرحله توسط نفوذی‌ها، باعث شد میز مذاکره بر عرصه نبرد ترجیح یابد. همین جریان نفوذی به فتحعلی‌شاه تضمین دادند که در جریان مذاکرات، قفقاز را به ایران برخواهند گرداند. ولی در پایان مذاکرات، قفقاز از آن روس شد! (حقانی، ۱۳۹۵: ۱۳۴).

۳,۲. نهضت تنباکو

در سده ۱۳ ق/ ۱۹ م، ایران صحنه رقابت‌های سیاسی و اقتصادی میان دو استعمار روسیه تزاری و بریتانیا بود. هر یک از دو دولت نیرومند می‌کوشیدند با گرفتن امتیازها و انحصارهای گوناگون، نفوذ خود را در ایران گسترش دهند. از جمله این امتیازات، انحصار بازرگانی توتون و تنباکو بود که به عرصه‌ای برای ابراز نارضایی عمومی از دستگاه حکومت، و مخالفت اصولی علمای دینی با نفوذ بیگانگان تبدیل شد. نهضت تنباکو، عنوان جنبش سراسری مردم ایران به واگذاری انحصار این کالاها به یک شرکت انگلیسی و در واقع گام اساسی دیگری در تبلور اندیشه مقاومت علیه استعمار در ایران بود. این قرارداد توسط ناصرالدین شاه قاجار امضا شده بود. سرانجام این امتیاز با همراهی مراجع برجسته‌ای همچون شیخ محمدتقی معروف به آقاجنقی و آیت‌الله سید علی‌اکبر فال‌اسیری و حاج میرزا جواد آقا تبریزی و نیز همراهی سیدجمال‌الدین اسدآبادی و با فتوای تاریخی میرزای شیرازی فسخ شد (نجفی و حقانی، ۱۳۹۱: ۲۶۸-۱۹۷).

۳,۳. انقلاب مشروطه

^۱ این اقدام روحانیان را نباید مشروعیت بخشی به حکومت قاجارها تلقی کرد، بلکه به معنای صحه‌گذاری بر «نقش عالمان» به منزله سرچشمه مشروعیت قاجارها «بر طبق نیابت عامه» بود که علمای اصولی تأکید ویژه‌ای بر آن داشتند (الگار، ۱۳۶۹: ۴۹).

دخالت‌های استعماری مستشاران انگلیس و روس در عرصه اجتماعی کشور، همچون تنبیه تاجر خوشنام و متدین قند در بازار، توهین موسیونوز بلژیکی به اعتقادات دینی مردم و هتک حرمت جنازه یک فرد مسلمان در قبرستان نزدیک بازار تهران، مقدمات اعتراضات مردمی و نارضایتی علمای ایران را فراهم آورد که در نهایت منجر به تحقق نهضت مشروطیت شد. از همان ابتدا و با ورود عناصر نفوذی همچون سیدحسن تقی‌زاده در میان انقلابیون، که بخشی از معترضین را به تحصن در سفارت انگلیس تشویق نمود بسترهای ورود جدی جریان استعمار به این انقلاب فراهم شد. در ادامه نیز این خط نفوذ با طرح لزوم استفاده تمام و کمال از قوانین کشورهای غربی تلاش خود را برای انحراف در مسیر انقلاب فراهم نمود. شیخ فضل‌الله نوری مرجع تراز اول تهران در این دوره با اطلاع از خط نفوذ استعمار با این طرح مخالفت نمود و متأسفانه بواسطه ضعف بصیرت برخی از تأثیرگذاران و ترس برخی دیگر از احتمال بازگشت به استبداد قاجاریه، زمینه اعدام شیخ فراهم آمد و همچنان که شیخ هشدار داده بود در نهایت نهضت دچار انحراف شد و به اهدافش دست نیافت (سیاوشی و موسوی‌نیا، ۱۳۹۷: ۷۸-۶۹). آنچه در بحث تاریخچه مقاومت در این برهه تاریخ مورد نظر است شکل‌گیری لایه جدیدی از اندیشه ضداستعماری در جامعه ایران است. اندیشه ضداستعماری که بعدها ریشه بسیاری از تحولات تاریخی-سیاسی مانند جنبش ملی‌شدن صنعت نفت و انقلاب اسلامی را شکل داد.

۹. سناریوهای محتمل برای آینده جبهه مقاومت

همانطور که در بالا اشاره گردید، چارچوب نظری پژوهش بر اساس رویکرد آینده‌پژوهی و رویه سناریوپردازی است. به تعبیری در سناریو احتمالات گوناگونی برای وضعیت پدیده مورد بحث می‌توان لحاظ نمود. با توجه به منطق گفته شده در قسمت روش پژوهش، می‌توان سناریوهای ذیل را برای آینده جبهه مقاومت و نسبت آن با گفتمان انقلاب اسلامی در دهه پنجم انقلاب اسلامی متصور شد. سناریوها محتمل را می‌توان به دو دسته سناریوهای مثبت و منفی تقسیم‌بندی کرد. ابتدا به سناریوهای مثبت اشاره می‌کنیم.

الف: سناریوهای مثبت (خوش‌بینانه)^۱

^۱ منظور از سناریوهای مثبت، سناریوهای خوش‌بینانه و سناریوهای منفی هم بدبینانه‌ترین سناریوهای محتمل هستند که امکان وقوع آنها در آینده بیشتر به نظر می‌رسد.

۱. سناریوی اول (پایداری وضعیت کنونی): نخستین سناریوی ممکن این است که

شرایط فعلی حاکم بر جبهه مقاومت و ارتباط آن با انقلاب اسلامی ادامه پیدا کند. در واقع در این مفروض اصل بر این است که تحولات مختلف داخلی و بین المللی به گونه‌ای رقم بخورد که جبهه مقاومت اثرپذیری کمی نسبت به آنها داشته باشد و مسیر پی ریزی شده کنونی به همین منوال ادامه یابد.

۲. سناریوی دوم (بی‌نیازی نسبی جبهه مقاومت): منظور از سناریوی نامبرده این

است که محور مقاومت به حدی از ظرفیت و توانایی برسد که وابستگی مستقیم به محیط بیرونی نداشته باشد. به تعبیری سازوکارهای لازم جهت حل مسائل مختلف مادی و غیرمادی در درون جبهه مقاومت وجود داشته باشد.

۳. سناریوی سوم: خدمات متقابل محور مقاومت و انقلاب اسلامی در دهه

پنجم: با توجه به ظرفیت‌های گوناگون دو جبهه، می‌توان ارتباط محور مقاومت را از حالت یک سویه به صورت متقابل تغییر داد. در واقع هر دو گفتمان می‌توانند نقاط ضعف دیگری را پوشش دهند و در عین حال از نقاط قوت همدیگر بهره ببرند.

۴. سناریوی چهارم: گسترش مرزهای سیاسی و جغرافیایی جبهه مقاومت:

آنچه از جهت سیاسی و ژئوپلتیک در رابطه با وضعیت فعلی جبهه مقاومت وجود دارد، مجموعه کشورها و جنبش‌های سیاسی-مردمی در منطقه غرب آسیا است. البته معدود دولتهایی نیز خارج از جغرافیای نامبرده وجود دارد که چندان وضعیت مشخصی ندارد. سناریوی محتمل برای آینده محور مقاومت این است که مرزهای سیاسی و ژئوپلتیک آن به صورت مشخص به مناطقی غیر از غرب آسیا گسترش یابد که لاجرم منجر به افزایش عمق راهبردی جبهه مقاومت خواهد شد.

۵. سناریوی پنجم: حضور رسمی جنبشهای فعال محور مقاومت در سیاست

کشورهای عضو: بسیاری از جنبشها و گروه‌های سیاسی عضو محور مقاومت، در سپهر رسمی سیاست و در ساختار قانون اساسی کشورهای متبوع جایگاه مناسبی ندارند. در واقع شخصیت حقوقی بعضی از جنبش‌های مذکور همچنان نامعین است. در وضعیت فعلی جنبشهای مختلف محور مقاومت از جمله حزب الله لبنان، حشدالشعبی عراق و جنبش انصارالله یمن در صدد ایجاد ساختارهای لازم جهت حضور دائمی در سیاست هستند.

در کنار سناریوهای مثبت، چندین سناریوی منفی هم برای آینده جبهه مقاومت محتمل است که مهم‌ترین آن‌ها به قرار ذیل است:

ب: سناریوهای منفی (بدبینانه)

۱. سناریوی اول: ساختار نظام بین الملل: چارچوب کلی نظام بین المللی به صورتی

است که موانع زیادی در مسیر گروهها و جنبش های غیررسمی بالاخص گروه های مقاومت اسلامی برای حضور فعال و پایدار در سیاست وجود دارد. سناریوی محتمل این است که روند تحولات و قواعد نظام منطقه ای و جهانی در دهه پیش رو به سمتی باشد که میزان نفوذ و اثرپذیری گروه های مقاومت اسلامی کاهش یابد و کشورهای مختلف ترجیح دهند با ترتیبات مستقر فعلی تعامل نمایند.

۲. سناریوی دوم: بی ثباتی سیاسی در کشورهای اسلامی: سرعت تغییرات سیاسی

در کشورهای اسلامی در سالهای گذشته زیاد بوده است، این احتمال وجود دارد که در دهه پیش رو نیز بی ثباتی کماکان ادامه داشته باشد. در صورت ادامه این وضعیت گروه های مختلف سیاسی اعم از رسمی و غیررسمی در کشورهای اسلامی از جهات اعتماد عمومی متضرر خواهند شد. طبیعتاً گروه های مقاومت اسلامی نیز به عنوان یکی از جریان های فعال از عدم ثبات آسیب خواهند دید و حتی ممکن است مردم آنها را در کنار گروه های رسمی سیاسی، مسئول بی ثباتی حاکم بر کشور بدانند.

۳. سناریوی سوم: انشقاق احتمالی میان گروه های مختلف مقاومت: وضعیت

سیاسی و اجتماعی کشورهای مختلف اسلامی آشفته است. بسیاری از گروه های فعال سیاسی با یکدیگر در منازعه سیاسی دائم قرار دارند. به صورت مداوم شاهد تشکیل گروه های جدید، انحلال گروه های سیاسی پیشین، تغییر در اهداف، آرمان ها و مرام نامه گروه های مذکور و همچنین بازاندیشی و تجدیدنظر فکری اعضا و فعالان سیاسی مختلف هستیم. گروه ها و جنبش های ذیل مقاومت اسلامی نیز این قاعده مستثناء نیست و دائماً تغییرات فکری و عملی متفاوتی از آنها شاهد هستیم. نمونه آن جریانات اسلامی در کشور عراق است. نوسانات سیاسی و اجتماعی مذکور در دهه پیش رو نیز کماکان محتمل است. این مسئله می تواند چالش هایی در رابطه با اتحاد درونی گروه های مقاومت اسلامی ایجاد نماید.

۴. سناریوی چهارم: ایجاد فاصله احتمالی میان مردم و گروه های مقاومت:

یکی از سناریوهای محتمل، شکاف میان مردم و گروه های مقاومت اسلامی در کشورهای متبوع است. ممکن است عوامل مختلفی موجب شکل گیری سناریوی مذکور شود. مواردی همچون، دخالت قدرتهای خارجی، منازعات روزافزون داخلی و نفوذ گروه های افراطی می تواند به مرور

تأثیرات منفی در رابطه با نگرش مردم نسبت به گروه‌های مقاومت داشته باشد؛ زیرا عملکرد عوامل فوق به گونه‌ای است که شرایط را به سوی مسیر ناخواسته‌ای هدایت خواهد کرد.

۵. سناریوی پنجم: عدم برخورداری از برنامه و چارچوب عملی مطلوب: یکی

از مهم‌ترین سناریوهای محتمل در رابطه با آینده گروه‌های مقاومت، بلاتکلیفی در شیوه‌های فکر و اجرا در عرصه داخلی و بین‌المللی است. سیاست و شیوه‌های کشورداری به صورت مداوم دچار پیچیدگی‌های مختلفی در حوزه‌های گوناگون می‌شود و احزاب و گروه‌های سیاسی برای تصاحب قدرت باید به ابزارهای فکری و عملی مختلفی مجهز باشند. این احتمال وجود دارد که بعضی از گروه‌های محور مقاومت با توجه به درگیری‌های متنوع، نسبت به مجهز شدن به ابزارهای جدید غافل بمانند و طبعاً این غافلگیری موجب ایجاد فاصله گروه‌های فوق با تحولات جدید خواهد شد.

۱۰. جبهه مقاومت در دهه پنجم انقلاب اسلامی

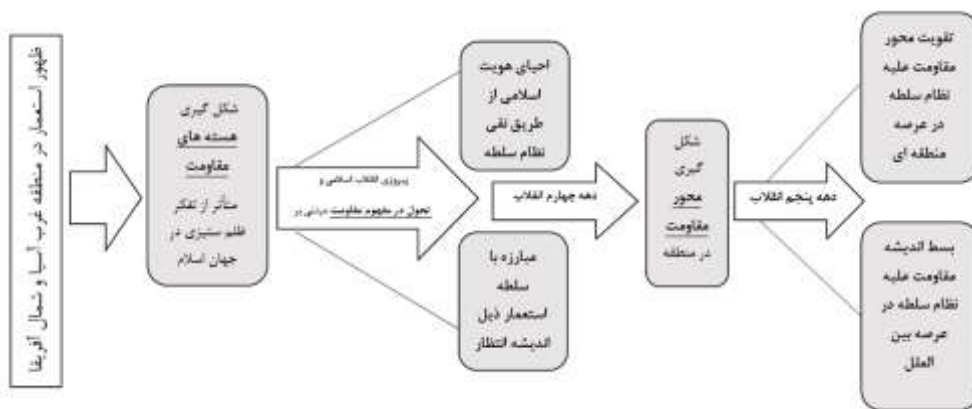
طبق موارد مطروح در قسمت‌های قبلی این مقاله، باید گفت که انقلاب اسلامی با تکیه بر عدالت‌طلبی اسلامی و مبتنی بر آرمان‌های امام خمینی تماماً بر مبارزه با نظام سلطه تأکید دارد، رهبر معظم انقلاب نیز بر همین اصول تکیه می‌نماید. اصولی که از شاخصه‌های آن دعوت از مستضعفین و مسلمانان جهان برای مبارزه با نظام جهانی سلطه است، یعنی امام خمینی نظام حاکم بر جهان را نظام ظلم و سلطه می‌داند و مکرر برای برهم‌زدن این نظام ظالم بین‌الملل بر تشکیل هسته‌های مقاومت حزب‌الله و مستضعفین تأکید می‌نماید. یکی دیگر از شاخصه‌های تفکر امام خمینی، آرمانگرایی انقلابی بدون ذره‌ای چشم‌پوشی و مسامحه و یک شاخصه دیگر عدالتخواهی است، درحالی که این چیزها با سرمایه‌داری شبه‌مدرن به هیچ وجه سازگار نبوده و تعارض آشکار دارد. چرا که وقتی سرمایه‌داری شبه‌مدرن بازسازی می‌شود یک لایه متمول و مرفه بی‌درد ایجاد و گسترش می‌یابد که فرهنگ آن، فرهنگ سکولار مدرن است، جهان‌بینی‌اش علوم انسانی غربی است و لذا این لایه با انقلاب اسلامی و مستضعف‌گرایی و عدالت و حتی دیانت بیگانه است. این لایه، آموزش عالی مخصوص به خود را شکل داده و نیروی انسانی مورد نیاز خود را تربیت می‌کند (سیاوشی و موسوی‌نیا، ۱۳۹۷: ۱۱۸). «امام طرف‌دار جدی حمایت از محرومان و مستضعفان بود؛ امام نابرابری اقتصادی را با شدت و حدت رد می‌کرد؛ اشرافی‌گری را با تلخی رد می‌کرد؛ به معنای واقعی کلمه امام طرف‌دار عدالت اجتماعی بود؛ طرف‌داری از مستضعفان شاید یکی از پر تکرارترین مطالبی است که امام بزرگوار ما در بیاناتشان گفتند؛ این یکی از خطوط روشن امام است؛... امام صریحاً در جبههٔ مخالف قلدران بین‌المللی و مستکبران قرار داشت، هیچ ملاحظه‌ای نمی‌کرد. این است که

امام در مقابله^۱ میان قلدران و مستکبران و قدرتهای زورگوی عالم با مظلومان، در جبهه^۲ مظلومان بود؛ صریح و بدون ملاحظه و بی تقيه این را بیان می کرد. طرف دار جدی مظلومان جهان بود. امام با مستکبرین سر آشتی نداشت. واژه^۳ «شیطان بزرگ» برای آمریکا، یک ابداع عجیبی از سوی امام بود. امتداد معرفتی و عملی این تعبیر شیطان بزرگ خیلی زیاد است. وقتی شما یک کسی را، یک دستگاهی را شیطان دانستید، معلوم است که باید رفتار شما در مقابل او چگونه باشد، باید احساسات شما نسبت به او چگونه باشد؛ امام تا روز آخر، نسبت به آمریکا همین احساس را داشت^۴ (آیت الله خامنه ای، ۱۳۹۴/۳/۱۴). بر این اساس باید گفت انقلاب اسلامی با تکیه بر توانمندی ها و ویژگی های شخصی امام و با پشتوانه مردمی، بهره مندی از اندیشه مذهبی و ایدئولوژی اسلامی، ایدئولوژی های غرب و شرق و همچنین سیطره فرهنگی غرب را به چالش کشید.^۱ یرواند آبراهامیان بر این اعتقاد است که یکی از نکات قابل توجه در خصوص انقلاب اسلامی ایران، توانایی بالای گفتمان اسلام گرایی در خلق یک ذهنیت جدید بود. یعنی پرورش یک مسلمان به عنوان یک عنصر سیاسی ضد دیکتاتوری و ضد امپریالیستی (محمدی، ۱۳۹۳: ۱۰۴). پس یکی از دلایل ظهور مقاومت گرایی در قالب های فکری و رفتاری اسلام گرایان را باید باز تعریف اسلام در قالب مطرح شده توسط انقلاب اسلامی ایران و مبتنی بر دو شاخصه «احیا هویت اسلامی از طریق نفی نظام سلطه» و «فرهنگ تمدن ساز انتظار» دانست. از آن جا که اسلام مانند هر قالب دینی دیگر، مجموعه ای از باورهای فردی و جمعی می باشد که نظام اعتقادی جوامع را شکل می دهد، لذا، ایدئولوژی زده شدن قالب های دینی، به عنوان ساختار مناسب و مؤثر جهت تأمین اهداف تفکر مقاومت به کار می رود. به این ترتیب بازنمایی قالب ها منجر به دگرگونی در رفتار استراتژیک و در نهایت شکل گیری مقاومت در برابر غرب شده است. این امر نشان می دهد مقاومت گرایی در عصر حاضر از طریق حداکثرسازی قالب ها و نمادهای هویتی متحقق گردیده است (متقی، ۱۳۹۱: ۲۲۶).

باید دقت داشت که در واقع نهضت مقاومت بیش از آنکه امری تقلیل گرا تلقی گردد و بر جلوه هایی از تعارض ساختاریابی شود، به منزله زیرساخت فکری مبتنی بر همکاری و هماهنگی در رفتار سیاسی و استراتژیک محسوب می شود. نگرانی از هویت یابی اسلامی منتج به آن شد که سایروس ونس، وزیر خارجه اسبق آمریکا مخالفت خود را با انجام مأموریت نظامی برای نجات جاسوسان لانه جاسوسی در ایران اعلام کند. او از شبیح یک جنگ میان اسلام و غرب می هراسید

۱. اساساً بحث از انقلاب اسلامی و اسلام سیاسی جدای از امام (ره) ناقص خواهد بود.

و معتقد بود: «امام خمینی و پیروانش که عاشق شهادت هستند واقعاً ممکن است از اقدام نظامی آمریکا در ایران به عنوان راهی برای اتحاد جهان اسلام علیه غرب استقبال کنند» (simon and shuster: 1983: pp 408-410) و البته این اتفاق افتاد و با وجود شکست راهبرد نظامی آمریکا در ایران، هجمه‌های نظام استعمار در گذر تاریخ منجر به آن شد که تفکر انقلاب اسلامی متأثر از دو شاخصه مذکور یعنی «احیا هویت اسلامی از طریق نفی نظام سلطه» و «فرهنگ تمدن ساز انتظار»، مستضعفین جهان را برای تشکیل «محور مقاومت» فراخواند. بر این اساس، در مرحله اول در دهه سوم انقلاب اسلامی، تشکیل محور مقاومت در منطقه غرب آسیا به وقوع پیوست و با توجه به سیطره حداکثری تفکری انقلاب اسلامی، در دهه پنجم، امتداد محور مقاومت در عرصه فرمانطقه‌ای امکان تحقق خواهد داشت.



نتیجه‌گیری

مقاومت اسلامی را باید انعکاس ایجاد اعتماد به نفس در گروه‌های اجتماعی اسلام دانست. در دوران گذشته مجموعه‌های اسلام‌گرا از ادبیاتی استفاده می‌کردند که ناشی از قالب‌های ادراکی و گفتمانی غربی بود. این روند از اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، به گونه مشهودی تغییر یافت.^۱ باید توجه داشت که هدف اصلی کشورهای استعمارگر غربی آن بود که زمینه را برای در حاشیه قراردادن تفکر اسلامی فراهم نمایند تا از این طریق، قابلیت‌های جهان

^۱ برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک به رویارویی غرب معاصر با جهان اسلام، نوشته ابراهیم متقی، ۱۳۹۱، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

اسلام را در چارچوب ساخت‌های غرب‌گرا مضمحل سازند. در حالی که تفکر مقاومت جدید در کشورهای اسلامی متأثر از آرمان تمدن‌ساز انقلاب اسلامی جلوه‌هایی از تحرک سیاسی را به عرصه آورد. به عبارت دیگر تفکر مقاومت، مبنای یک تغییر وضع موجود و بازسازی هویت را فراهم ساخت. در واقع پدیده مقاومت بوسیله انقلاب اسلامی از خصلت نظامی به سوی حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی و هویتی منتقل شده است. براین اساس جبهه مقاومت در دهه آینده باید خود را برای نبرد با دشمنان سیاسی، فرهنگی و اقتصادی آماده نماید.^۱ این امر بیانگر آن است که از دهه ۱۹۸۰ میلادی به بعد از یک سو فرهنگ جوامع اسلامی در قالب فرهنگ مقاومت واقع گردیده و از سوی دیگر جلوه‌های ادراکی و شناختی نظام بین‌الملل در قالب مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده هویت و همچنین فرهنگ مقاومت فراهم شده است.

انقلاب اسلامی با نفی تفکر استعماری نظام سلطه، لزوم اتکای امت اسلامی بر تفکر توحیدی و انسان‌ساز اسلام را نوید داد. در واقع با وقوع انقلاب اسلامی دو اتفاق به وقوع پیوسته است. ابتدا بازیابی و احیا هویت و سپس حرکت به سمت آینده مطلوب. در این آینده مطلوب، ابتدای بر فرهنگ انتظار مشهود است و تحقق آرمان انسانی در ذیل ولایت انسان کامل، شاخصه‌ای اساسی است. لذا باید گفت بیداری و همبستگی مستضعفان جهان و ملت‌های مسلمان و قیام در برابر حاکمان داخلی و استکبار جهانی از مهمترین دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران است. تفکر انقلاب اسلامی در افغانستان، لبنان، عراق، مصر، بحرین، ترکیه و یمن در نتیجه این تأثیرات بوده است و نگرانی که هم اکنون دنیای غرب از روند بیداری اسلامی و خیزش انقلابی در میان ملت‌های مسلمان دارد نشانه تأثیرات انقلاب اسلامی در عرصه جهانی است. و در دهه پنجم انقلاب اسلامی، همین خط فکر، بواسطه آنکه آرمان انقلاب اسلامی یک آرمان الهی و انسان‌ساز و در واقع جهانی است، در عرصه فرمانطقه‌ای در تقابل جدی با تمدن غرب مدرن قرار خواهد گرفت، به نحوی که با تقویت جبهه مقاومت در منطقه غرب آسیا، بسترهای امتداد این محور در عرصه جهانی ذیل دو شاخصه^۲ «احیا هویت انسانی از طریق نفی نظام سلطه» و «انتظار ظهور منجی (انسان کامل)» فراهم خواهد شد.

^۱ سیدقطب معتقد بود وجه تمایز مؤمنین از مسلمانان در میزان مقاومت آنان است. مؤمنین کسانی هستند که در راه تحقق اراده خداوند مقاومت می‌کنند و از این طریق آرمان‌های ایدئولوژیک را در فضای اجتماعی قرار می‌دهند. بسام طیبی، مقاومت‌گرایی را مبتنی بر دو مقوله فرهنگ و شناخت می‌داند (متقی، ۱۳۹۱: ۲۲۵).

فهرست منابع

۱. آقازاده، جعفر (۱۳۹۳). تحلیلی بر نقش روحانیون شیعه در دوره دوم جنگ های ایران و روس، فصلنامه شیعه شناسی، (۱۲)، (۴۷)، صص ۱۶۸-۱۴۳.
۲. بی‌نا، (۱۹۹۳ م). شورش هندوستان، مترجم: اوانس ماسیان، تهران: انتشارات نیلوفر.
۳. جمشیدی، محسن، صدیق، میرابراهیم، بسطامی، محمود (۱۴۰۰). استراتژی دو قدرت بزرگ منطقه‌ای (جمهوری اسلامی و عربستان سعودی) در حوزه سیاستگذاری خارجی و تروریسم در منطقه تحت نفوذ خود، فصلنامه مطالعات بیداری اسلامی، (۱۰)، (۱)، صص ۸-۹.
۴. حسینیان، روح‌الله (۱۳۸۴). بیست سال تکاپوی اسلام شیعی در ایران (۱۳۴۰-۱۳۲۰)، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۵. داد ۰، فر، سجاد، نعمتی، نورالدین (۱۳۹۲). مراجع ایرانی و قیام ۱۹۲۰ شیعیان عراق، پژوهشنامه تاریخ اسلام، (۹)، صص ۱۱۵-۱۰۰.
۶. دارابی، علی (۱۳۹۶). آینده پژوهی انقلاب اسلامی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۷. دهخدا، علی اکبر (۱۳۹۰). فرهنگ فارسی، تهران: انتشارات فردا.
۸. دهنوی، محمود (۱۳۶۱). مجموعه‌ای از مکتوبات، سخنرانی‌ها و پیام‌های آیت‌الله کاشانی، تهران: انتشارات چاپخش.
۹. زالی، نادر (۱۳۹۴). آینده نگاری راهبردی و سیاستگذاری منطقه‌ای با رویکرد سناریونویسی، فصلنامه مطالعات راهبردی، (۵)، (۱۴)، صص ۴-۳۵.
۱۰. رگری‌نژاد، غلامحسین (۱۳۷۹). عباس میرزا نخستین معمار بنای نظام جدید در ایران معاصر، فصلنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی، (۲)، (۱۸۴)، صص ۷۸-۶۰.
۱۱. سیاوشی مهدی، بیاتلو، حسین (۱۳۹۷). استیلای تمدنی جهان غرب بر مصر و ایران؛ از ورود ناپلئون به منطقه خاورمیانه تا پایان جنگ جهانی اول، تهران: انتشارات دانشگاه جامع امام حسین (ع).
۱۲. سیاوشی، مهدی، موسوی‌نیا، سیدمهدی (۱۳۹۷). جهاد کبیر؛ صورتبندی مفهومی عدم تبعیت از دشمن در جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات دانشگاه جامع امام حسین (ع).
۱۳. صادقی تهرانی، محمد (۱۳۹۰). تاریخ انقلاب اسلامی ۱۹۲۰ عراق، تهران: انتشارات رسولان.
۱۴. طاهرزاده، اصغر (۱۳۹۳). تمدن زایی شیعه، اصفهان: انتشارات لب المیزان.

۱۵. علیزاده، عزیز و همکاران (۱۳۹۱). سناریونگاری یا برنامه‌ریزی بر پایه سناریوها، تهران: انتشارات اندیشگاه آتی نگار.
۱۶. عمید، حسن (۱۳۹۱). فرهنگ فارسی عمید، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۷. قراسوی، محمدمهدی (۱۳۹۶). محور مقاومت اسلامی؛ ابعاد و مؤلفه‌ها، پایگاه تحلیلی الوقت، قابل دسترسی در: <http://alwaght.net/fa>
۱۸. الگار، حامد (۱۳۶۹). نقش روحانیت پیشرو در جنبش مشروطیت ایران، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: انتشارات توس.
۱۹. ماله، آلبر (۱۳۲۴). تاریخ قرن نوزدهم و معاصر، ترجمه نصرالله فلسفی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۲۰. متقی، ابراهیم (۱۳۹۱). رویارویی غرب معاصر با جهان اسلام، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۱. محمدی، منوچهر (۱۳۹۳). بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۲. نجفی، موسی، حقانی، موسی (۱۳۹۱). تاریخ تحولات سیاسی ایران، تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
۲۳. نصراصفحانی، محسن، کرانی، زهرا، علییاری، حسین (۱۴۰۲). بررسی تأثیر شکل‌گیری و گسترش قدرت محور مقاومت اسلامی بر افول هژمونی آمریکا در منطقه غرب آسیا، فصلنامه مطالعات بیداری اسلامی، (۱۲)، (۱)، صص ۱۲۹-۱۴۸.
۲۴. نفیسی، عبدالله، فهد (۱۳۶۴). نهضت شیعیان در انقلاب اسلامی عراق، ترجمه، کاظم چایچیان، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۲۵. ولفگانگ، ج. مومسن (۱۳۷۶). نظریه‌های امپریالیسم، ترجمه، احمد ساعی، تهران: انتشارات قومس.
۲۶. ویلی، جويس. ان (۱۳۷۳). نهضت اسلامی شیعیان عراق، تهران: انتشارات اطلاعات.
27. Rberts, Cyrus (1983). Hard choice: critical years in American foreign policy, New York: Simon and Schuster, 40-51: https://librarysearch.northumbria.ac.uk/primo-explore/fulldisplay/44UON_ALMA2123293300003181/northumbria.